

در ۲۸ اسفند سال گذشته، ملت ایران و سجاهمین سال ملی شدن صنعت نفت را در حالی جشن گرفت که ایران با نوع جدیدی از قراردادهای نفتی، موسوم به بیع متقابل (بای بک)، مواجه شده است. این نوع قراردادها بحث های زیادی را برانگیخته و نویسندگان و کارشناسان، نقدهای متعددی در مورد آنها نگاشته اند.

همین نقدها و اعتراض ها موجب شد سرانجام مجلس شورای اسلامی به موضوع اهمیت بدهد و تحقیق و تفحص در مورد چنین قراردادهایی را در دستور کار خود بگنجاند. نگاهی به قراردادهایی که در گذشته برای بهره برداری از منابع نفتی ایران با بیگانگان بسته شده، می تواند نشان دهد که قدرت های خارجی و کمپانی های نفتی چه ترفندهایی را برای غارت این منابع تجزیه نشده می به کار گرفته اند، و می گیرند. مقاله زیر بر همین راستا نگاشته شده است.

وامتیزی که داده نشد

دکتر هوشنگ طالع

امتیازی که داده شد

روز هفتم خردادماه ۱۲۸۰ خورشیدی (۲۸ مه ۱۹۰۱)، دولت ایران امتیاز استخراج نفت را به ویلیام ناکس دارسی (William Knax Darcy) سپروند حکومت استرالیا داد. مدت قرارداد ۶۰ سال بود و به غیر از ۵ اپالت کیلان، مازندران، خراسان، آذربایجان (شامل آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی و اردبیل کنونی) و استرآباد (کلیبیش استان گلستان کنونی)، بقیه ایران را در بر می گرفت. دارسی حق داشت که در این عرصه ی پهنای نفت استخراج کند و حق انحصاری کشیدن لوله نفت نیز به وی واگذار شده بود. در برابر، دارسی متعهد بود که ۲۰ هزار لیتره نقد و ۲۰ هزار لیتره هم به صورت سهام از شرکتی که برای بهره برداری از نفت تشکیل می دهد به دولت ایران بپردازد. هم چنین وی متعهد شد که پس از بهره برداری ۱۶ درصد از سود ویژه شرکت را به عنوان حق امتیاز، پرداخت کند. به موجب ماده ۱۵ قرارداد مزبور، مغرز شده بود که ساختمان ها و ماشین آلات، پس از پایان قرارداد، مجاني و بدون عوض متعلق به دولت ایران باشد. در آغاز کار که بر پایه ی بیلان های شرکت، سودی در کار نبود، دولت ایران نیز به عنوان سهام دار، مطالبه ای نداشت، اما از سال ۱۲۹۵

خورشیدی (۱۹۱۶ میلادی) که شرکت سودآور شد، دولت ایران نیز سود سهام خود را مطالبه کرد. اما، نتوانست چیزی دریافت کند و شرکت مزبور از پرداخت حق ایران به بیبانه های گوناگون و با



محمد ساذرانه ای

واگذاری امتیاز نفت را به دفع الوقت گذراند

حساب سازی، خودداری کرد.

در جریان جنگ جهانی نخست، با وجود اعلان بی طرفی دولت ایران، کشور صحنه نبردهای

سخت و طولانی میان نیروهای امپراتوری تزاری و بریتانیا از یک سو و دولت عثمانی با حمایت امپراتوری آلمان، از سوی دیگر بود. در درازای نبرد، عثمانی ها توانستند به دست عشایر محلی، بخشی از لوله نفت را ویران سازند. کمپانی نفت، به استناد ماده ی ۱۴ قرارداد که ایران را موظف به حمایت از تأسیسات نفت می کرد، مبلغ ۱۰ هزار لیتره برای تعمیر لوله نفت و کمبیش ۵۱۴ هزار لیتره بابت عدم النفع از دولت ایران مطالبه کرد.

دولت ایران، مدعی بود که بیش از ۲۰ هزار لیتره هزینه ی تعمیر لوله نشده است و درباره خسارت های وارده از تعطیل کار، دولت ایران می گفت: به طوری که رییس کمپانی در ۲۰ دسامبر ۱۹۱۵ (۲۹ آذر ۱۲۹۴ خورشیدی) در مجمع عمومی شرکت نفت انگلیس و ایران در لندن اظهار کرده، علت تعطیل کار بیشتر مربوط به نبود وسایل ترابری بوده است که دولت بریتانیا برای عملیات جنگی در شط [اروند رود]، کشتی های موجود در رود کارون را مصادره کرده بود.

دولت ایران، خواستار حکمیت در این مورد شد. اما کمپانی در نامه ی روز ۲۳ مه ۱۹۱۷ اعلام کرد: اگر حکمیت برای تعیین مبلغ خسارت است، کمپانی قبول می کند ولی اگر برای این است که حکم ها اعلام دارند که کمپانی حق مطالبه ی خسارت را دارد و یا نه، این کار از صلاحیت حکمیت خارج است.

بسیار اندک بود. دولت ایران نیز چون توان نداشت، از حق قانونی مردم ایران گذشت. در عرض یازده سال بعد، کمپانی کمابیش مبلغ نه میلیون و ششصد هزار لیره به شرح زیر به دولت ایران پرداخت:

سال	لیره
۱۹۲۰	۴۶۹۰۰۰
۱۹۲۱	۵۸۵۰۰۰
۱۹۲۲	۵۹۳۰۰۰
۱۹۲۳	۵۳۳۰۰۰
۱۹۲۴	۴۱۱۰۰۰
۱۹۲۵	۸۳۱۰۰۰
۱۹۲۶	۱۰۵۴۰۰۰
۱۹۲۷	۱۴۰۰۰۰۰
۱۹۲۸	۱۵۳۱۰۰۰
۱۹۲۹	۱۲۸۸۰۰۰
۱۹۳۰	۱۲۸۸۰۰۰
جمع	۹۶۳۲۰۰۰

اما، در سال ۱۹۳۱ میلادی، کمپانی تنها ۳۰۷ هزار لیره بابت سهم ایران پرداخت. دولت ایران

نخست- برپایه ی قرارداد داری، دولت ایران محق بود که ۱۶ درصد از درآمدهای ویژه تمامی شرکت های اصلی و فرعی را طلب کند. اما، برپایه قرارداد اسمیت شرکت های تریبری، مستثنی شدند.

دوم- برپایه قرارداد، رسیدگی به اختلاف میان دولت ایران و کمپانی برعهده ی سه نفر حکم واگذار شده بود، اما آر میتل اسمیت آن را به حکمیت یک نفر حسابرس انگلیسی واگذار کرد. اسمیت، برای رسیدگی به حساب های کمپانی، شخصی به نام مک لین تک را برگزید. اما کمپانی اجازه نداد که وی به دفترهای مالی رسیدگی کند. با وجود این، مک لین تک، مواردی را که به زیان دولت ایران حساب سازی شده بود، آشکار کرد. در این فرآیند، کمپانی ناچار شد که از مطالبه ی سه درصدی که به خوانین بختیاری پرداخت کرده بود، صرف نظر کرده و بابت مطالبات پنج ساله دولت ایران، مبلغ یک میلیون لیره تا آغاز سال ۱۹۲۰ میلادی (۱۰ دی ماه ۱۲۹۹ خورشیدی) بپردازد.

در حقیقت، پرداخت های کمپانی تا سال ۱۹۲۰،

هم چنین کمپانی با عنوان کردن این مسأله که خوانین بختیاری بابت حق الارض، ۲ درصد از سود شرکت دریافت کرده اند، به مدت پنج سال دیناری به دولت ایران نپرداخت. در حالی که برپایه قرارداد، قرار نبود که کمپانی چیزی به خوانین بختیاری بپردازد، بلکه هر جا که کمپانی به زمین احتیاج داشت، می بایست خریداری می کرد. به دنبال امضای قرارداد ۱۹۱۹ از سوی وثوق الدوله، آر میتل اسمیت به عنوان مستشار مالی (دارایی) وارد ایران شد. (۱) اما، همان گونه که می دانیم، مجلس شورای ملی قرارداد مزبور را رد کرد و وثوق الدوله را برکنار نمود. مشیرالدوله که بعد از وی به نخست وزیری رسید، برای این که اسمیت را از ایران دور کند، وی را مأمور رسیدگی به حساب های کمپانی نفت لندن کرد. آر میتل اسمیت برخلاف دستور وزارت مالی (دارایی)، از آن جا که خود را مستشار قرارداد می دانست، در ۲۲ دسامبر ۱۹۲۰ (اول دی ماه ۱۲۹۹ خورشیدی)، قراردادی به زیان ایران با کمپانی بست. موارد زیان بار قرارداد مزبور عبارت بودند از:

S
A
L
E



ساعی

کلکسیون پوشاک آقایان

ولنگ، شیراز جنوبی

شماره ۳۳

تلفن ۸۰۴۱۱۱۴

از پذیرش مبلغ مزبور خودداری کرد. بدین سان کشمکش میان دولت ایران و کمپانی نفت آغاز شد که سرانجام به لغو امتیاز نامه ی داری انجامید.

امتیازی که داده نشد

در دی ماه سال ۱۳۲۲ خورشیدی، نمایندگان از سوی شرکت نفتی شل (انگلیس) و در اسفندماه همان سال، نمایندگان شرکت نفتی استاندارد و اکویم (آمریکا) به تهران آمدند تا پیرامون امتیاز نفت با دولت ایران گفتگو کنند.

در این زمان، به دنبال یورش متفقین به ایران در سوم شهریورماه ۱۳۲۰، کشور در اشغال نیروهای روس، انگلیس و آمریکا قرار داشت.

در تیرماه ۱۳۲۲، نمایندگان شرکت نفتی سینگر (آمریکا) نیز با پیشنهادهایی به تهران آمدند. برای بررسی پیشنهادهای رسیده، دولت وقت (دولت محمد ساعد مراغه ای)، کمیسیون ویژه ای تشکیل داد و به عنوان مشاور، دو تن کارشناس

آمریکایی به نام های «هور» (فرزند رییس جمہور پیشین آمریکا) و «کریس»، استخدام کرد تا کمیسیون مزبور را از نظر فنی و حقوقی یاری دهند. (۲)

روز پنجم شهریور ماه ۱۳۲۲، سفیر کبیر دولت ایران طی تلگرافی به دولت اطلاع داد که نماینده ی کمیساریای (وزارت امور) خارجه ی شوروی به مستشار سفارت اظہار داشتند که دولت شوروی در نظر دارد برای بررسی و گفتگو پیرامون نفت «خوریان» (در نزدیکی شهر سمنان)، هیاتی را به ایران گسیل دارد.

چند روز بعد (سیزدهم شهریور ماه) سفیر کبیر ایران در مسکو در تلگرام دیگری به اطلاع دولت رسانید که س.ای. کافتارادزه، معاون کمیساریای خارجه ی شوروی به ملاقات وی رفته و گفته است که تا چند روز دیگر در رأس هیاتی برای بررسی و گفتگو پیرامون نفت منطقه خوریان به ایران خواهد رفت.

در روزهای پایانی شهریور ماه ۱۳۲۲ هیأت مزبور به ریاست کافتارادزه، وارد ایران شد و مسافرتی به مناطق شمالی کشور انجام داد و از نواحی نفت خیز به ویژه منطقه خوریان بازدید کرد.

پیشنهادهای شرکت های غربی و نیز پیشنهاد شوروی به ویژه حضور هیأت شوروی در تهران، سؤطن بسیاری از نمایندگان مجلس را برانگیخته بود. در سراسراهای مجلس شورای ملی و نیز در نطق های پیش از دستور، سخن از این بود که دولت (دولت ساعد)، در پشت پرده با شرکت های خارجی وارد داد و ستد شده است. برابر پرسش برخی از نمایندگان، محمد ساعد در جلسه ی علنی مجلس حضور یافت و توضیحات لازم را به عرض مجلس شورای ملی رسانید. وی خاطر نشان کرد که به دلیل حساس بودن مسأله، کمیسیون ویژه ای در حال بررسی پیشنهادهای گوناگون است. اما، با وجود گفته های روشن نخست وزیر، نمایندگان مجلس و فریختگان کشور و میهن پرستان از آن بیم داشتند که در اثر فشار نیروهای اشغالگر،


تهداتی به دولت تحمیل شود که به زیان کشور باشد. البته همین سوء ظن نسبت به دولت پیشین یعنی دولت سبیلی نیز وجود داشت.

گرچه، دولت مزبور، پیشنهادهای شرکت های نفت شل، استاندارد و اکویم و سینگر را به کمیسیون ویژه برای مطالعه فرستاده بود، اما سوء ظن ها در جامعه برپا بود.

امروز آشکار است که دولت های مزبور، در پی آن بودند که با تشکیل کمیسیون ها، رایزنی ها و...، به دفع الوقت پرداخته و گفتگو درباره نفت را به بعد از خروج نیروهای خارجی از ایران موکول کنند. اما، در آن دوران سخت، هیچ دولتی نمی توانست این مسأله را آشکارا بیان کند. در نخستین نشست هیأت دولت ساعد (شنبه ۱۱ شهریور ۱۳۲۲) نیز مسأله امتیاز نفت و تقاضای شرکت های خارجی مطرح شد و هیأت دولت تصمیم گرفت که قبل از روشن شدن اوضاع اقتصادی و مالی دنیا و استقرار صلح عمومی، اعطای هیچ گونه امتیاز خارجی برای منابع نفت، مقتضی و ضروری نمی باشد. (۳)

شوروی ها خواستار آن بودند که امتیاز نفت استان های آذربایجان (غربی و شرقی)، گیلان، مازندران و بخش هایی از سمنان و چند ناحیه از شمال خراسان و از جمله قوچان، به آنان واگذار شود تا پس از انجام اکتشاف های زمین شناسی، ناحیه امتیاز به صورت قطعی تعیین شود.

پیشنهاد دولت اتحاد جماهیر شوروی، هم خوانی کامل با قرارداد تحمیلی دولت بریتانیا در سال ۱۳۱۲ به دولت ایران داشت. در پیشنهاد دولت شوروی می خوانیم: «... بدیهی است صاحب امتیاز پرداخت های تن [بر پایه هر تن نفت استخراجی] و پرداخت هایی از روی منافع و هم چنین مبالغی را که در قرارداد بجای معاف شدن از پرداخت مالیات مشروط گردد، پرداخت خواهد نمود. ضمناً دولت اتحاد جماهیر شوروی، حاضر است پرداخت های حداقل حق الامتیاز را که تعیین خواهد شد، تضمین نماید. صاحب امتیاز متعهد




شرکت خدمات مسافرتی

اوشکا هم انانی و مسافرت ترکی

اطلس (عصه پاتا)

بیش از چهارده سابقه خدمت



محل کار: تهران، خیابان ولیعصر، پلاک ۱۱۱، طبقه اول، تلفن ۱۱۱۱۱۱
 دفتر مرکزی: تهران، خیابان ولیعصر، پلاک ۱۱۱، طبقه اول، تلفن ۱۱۱۱۱۱
 شعبه تبریز: تبریز، خیابان ولیعصر، پلاک ۱۱۱، تلفن ۱۱۱۱۱۱

خواهد بود که مواد نفتی را با شرایط استثمالی چه برای احتیاجات دولت و چه برای احتیاجات اهالی کشور ایران، تحویل بدهد ...

کافتارادزه، چندین بار با نخست وزیر دیدار کرد و هر بار برای دستیابی به امتیاز نفت، لحن قاطع تری را به کار برد. در مقابل، ساعد موضع خود را چنین شرح می دهد: این جانب نیز تصمیم دولت را یک بار دیگر به اطلاع آقای کافتارادزه رسانیدم و مخصوصاً به او خاطر نشان کردم که عدم امتیاز نفت در حال حاضر و موکول نمودن مطالبه آن به زمان بعد از جنگ و استقرار صلح در جهان، نباید موجب کدورت و تیرگی روابط دولت ایران با دولت شوروی بشود. به کافتارادزه مخصوصاً یادآور شدم [که] من جزییات مذاکراتی را که با شما به عمل آوردم، مرتباً به اطلاع هیات دولت خود رسانیده ام و از آن جایی که روابط ایران با دولت شوروی براساس پیمان سه گانه و شرکت در جنگ و کمک در پیروزی متفقین بوده، دولت خواهد کوشید روح همکاری و حسن تفاهم را با

خبرگزاری داخلی و خارجی، دولت ایران را زیر حملات سخت قرارداد در مصاحبی مطبوعاتی مزبور، کافتارادزه اعلام کرد: مناسبات بین ایران و شوروی کماکان دوستانه می باشد. در عین حال، رویه ی غیر صمیمانه و غیر دوستانه ای که از طرف دولت ایران نسبت به دولت شوروی اتخاذ گردیده است، همکاری نمایندگان دولت شوروی را در ایران با دولت ساعد در آتیه امکان ناپذیر ساخته است ...

کافتارادزه در کنفرانس مطبوعاتی سفارت کبیری شوروی در تهران گفت: دولت ایران از بهره برداری منابع نفت خیز خود، منافع زیادی به دست خواهد آورد. هیات دولت شوروی انتظار دارد که پیشنهاد دولت شوروی پذیرفته شده و دولت ایران نمایندگان خود را برای عقد قرارداد بدون این که کار به تأخیر افتد، تعیین نماید ...

کافتارادزه در پاسخ پرسش یک تن از خبرنگاران، گفت: میان دولت های متفق درباره واگذاری امتیاز نفت در بخش های شمالی ایران؛

متفقین خود و مخصوصاً دولت شوروی محکم و استوار نگاه دارد و مساعدت های دولت شوروی را برای بهبود اوضاع اقتصادی خود جلب نماید و راجع به تحکیم و توسعه روابط تجارتي و اقتصادی با دولت شوروی، حاضر است داخل همه نوع مذاکرات بشود و از ملاقات های حضوری و مذاکرات دوستانه که به نفع دو کشور باشد، کمال مسرت را خواهد داشت (۴) ...

اما، شوروی ها که نتوانسته بودند از این راه به مقصود خود برسند، بر فشار افزودند و با توجه به این که سرتا سر شمال کشور در اشغال ارتش سرخ بود و حتا روس ها نیروهایی در تهران مستقر کرده بودند، دست به قدرت نمایی زدند.

روز دوم آبان ماه ۱۳۳۳، کافتارادزه معاون کمیساریای امور خارجه شوروی، در محل سفارت شوروی، یک کنفرانس مطبوعاتی برپا کرد. وی در برابر خبرنگاران و نمایندگان

گفتگویی به عمل نیامده و این هیات برای مذاکرات مستقیم به تهران گسیل شده است.

وی در پاسخ به این پرسش که چرا تاکنون شرکت نفت خوریان آغاز به کار نکرده و آیا دولت شوروی به دلایلی اقدامی در این باره به عمل نیاورده است (۵)، کافتارادزه گفت: از بدو تأسیس شرکت مزبور، با موافقتی که از طرف دولت ایران ایجاد می شود، مواجه بودیم و این وضع تا این اواخر ادامه داشت. بدیهی است که دولت شوروی در موقع جنگ نمی توانست به اندازه کافی به شرکت فوق الذکر توجه نماید زیرا به کارهای بزرگ تر و مهم تری که مربوط به جنگ است، مشغول بوده است ...

پس از آن که این گونه اعمال و فشارها نتوانست بر روی دولت ایران اثر گذارد، روز پنجم آبان ماه ۱۳۳۳، حزب توده به عنوان مجری سیاست های شوروی در ایران، اقدام به برگزاری میتینگ و دمنستراسیون گسترده ای در تهران کرد. چندین کامیون پر از سربازان ارتش سرخ، از شرکت کنندگان در میتینگ و دمنستراسیون مزبور حمایت می کردند (۶).

روز ۱۹ آبان ۱۳۳۳، یعنی درست دو هفته بعد از میتینگ کذایی حزب توده، دولت ساعد استعفا کرد. روز یازدهم آذرماه، یعنی بیست و دور روز پس از استعفای دولت ساعد، مجلس شورای ملی طرح تقدیمی از سوی دکتر محمد مصدق و گروهی از نمایندگان راجع به شرح زیر مورد تصویب قرارداد:

ماده اول- هیچ نخست وزیر و وزیر و اشخاصی که کفالت از مقام آن ها و یا معاونت می کنند، نمی توانند راجع به امتیاز نفت با هیچ یک از نمایندگان رسمی و غیر رسمی دول مجاور و غیر مجاور و یا نمایندگان شرکت های نفت و هرکس غیر از این ها مذاکراتی که صورت رسمی و اثر قانونی دارد بکند و یا این که قراردادی امضاء نماید.

ماده دوم- نخست وزیر و وزیران نمی توانند برای فروش نفت و طرزی که دولت ایران معادن خود را استخراج و

شرکت سکو ایران



تیمت ایسانس کارملجات سکو ایتالیا

تولید کننده:

پروپیل، نر، پنجره، پارتیشن، نمای شیشه ای،

سلف کانب، نرده، ملزومات اداری و کرکره برقی

سیستم پیش ساخته و پیش رنگ شده

دفتر مرکزی: تهران، خیابان ویلای شمالی،

شماره ۲۶۴، ساختمان سکو

تلفن: (۱۰ خط) ۸۹۰۲۸۶۶

فاکس: ۸۸۰۲۵۰۰

E.mail: info@seccoiran.com

اداره کند مذاکره نمایند و از جریان مذاکرات باید مجلس شورای ملی را مستحضر نمایند.

ماده سوم متخلفین از مواد فوق به حبس مجرد از سه تا هشت سال و انفصال دائم از خدمات دولتی محکوم خواهند شد.

درست، هفت روز بعد از تصویب طرح مزبور در مجلس شورای ملی، کافتارادزه پس از دو ماه و ۲۰ روز اقامت در تهران، ایران را ترک کرد. بعد، دولت قوام در فروردین ماه ۱۳۲۵، مقاله نامه ای درباره ایجاد یک شرکت مختلط ایران و شوروی برای استخراج نفت شمال امضاء کرد. مجلس پانزدهم، مقاله نامه ی مزبور را رد کرده و در مورد مساله نفت، مقرر داشت:

... دولت باید موجبات تفحص فنی و علمی را به منظور اکتشاف معادن نفت فراهم آورد و در ظرف مدت پنج سال نقشه های کامل فنی و علمی مناطق نفت خیز کشور را ترسیم و تهیه نماید تا مجلس شورای ملی با استحضار و اطلاع کامل از وجود نفت به مقدار کافی بتواند ترتیب بهره برداری بازرگانی از این ثروت ملی را به وسیله تصویب قوانین لازم تعیین کند

بدین سان، در شرایط سخت اشغال نظامی کشور، نمایندگان مردم ایران و دولتمردان با همراهی و پشتیبانی ملت ایران، از اعطای امتیاز نفت به بیگانگان خودداری کردند و سپس چند سال بعد، امتیازی را که در سال ۱۳۱۲ به ایران تحمیل شده بود، ملی اعلام کردند.

گرچه مبارزات عظیم ملت ایران در راه ملی کردن صنایع نفت در سرتاسر کشور با دخالت های بیگانه و خیانت های هیأت فاسد حاکمه نتوانست به نتیجه قطعی برسد، اما پس از آن، اصل امتیاز از میان رفت و اصل مشارکت بر اساس ۵۰-۵۰ به رسمیت شناخته شد و سپس به مشارکت های

بر اساس ۷۵ درصد سهم ایران، ۲۵ درصد سهم شرکت های خارجی انجامید.

پی نوشت ها:

۱- برپایه قرارداد ۱۹۱۹ که در حکم تحت الحمایگی ایران بود، آرمتیل اسمیت (انگلیسی) به عنوان مستشار مالی، به ایران گسیل شد.

۲- هورر که متخصص زمین شناسی بود، به مدت سه ماه و کریس به مدت شش ماه، از طرف دولت استخدام شدند.

۳- محمد ساعد مراغه ای- کافتارادزه در ایران- بیست و نهمین سالنامه دنیا ۱۳۵۳- خورشیدی- ص ۲۳. محمد ساعد مراغه ای در جریان انقلاب بلشویکی، سرکنسول ایران در یادکوبه بود. بعدها وی مقام های زیر را به عهده داشت: سفیر کبیر ایران در شوروی، ترکیه و واتیکان، وزیر امور خارجه، سناتور. وی سه بار به نخست وزیری رسید.

۴- همان

۵- نفت خوریان: در ماه صفر ۱۲۹۷ قمری (آذر ۱۲۵۸ خورشیدی- ژانویه ۱۸۸۰ میلادی) به فرمان ناصرالدین شاه، مالکیت ۳۴ معدن کوناگون در اطراف شهرهای مشهد، سبزوار، شاهرود، بستام، سمنان و دامغان به آقای حاج علی اکبر، ملقب به امین معادن و دو بازرگان دیگر واگذار شد.

امین معادن در برخی کان ها عملیاتی انجام داده و پس از درگذشت وی به ورثه منتقل می گردد. سپس با فعل و انفعال هایی که در دوران مشروطیت بر روی فرمان های مزبور انجام می گیرد، دولت روسیه تزاری از فرمان های مزبور آگاهی یافته و

به آقای کاسی نسکی نماینده بازرگانی خود در تهران دستور می دهد که فرمان ها را مطالعه کرده و در صورت قابل استفاده بودن، آن ها را خریداری کند. به دنبال قرارداد ۱۹۲۱ (۱۳۰۰ خورشیدی) و حضور بلشویک ها در ایران و بنیان گذاری بانک روس، خوشتاریا را به ایران می فرستند تا با حمایت بانک روس، فرمان های مزبور را خریداری کند. سرانجام با تباتی و پرداخت رشوه به مسیولان وزارت فواید عامه، خوشتاریا فرمان مزبور را به دست می آورد. به دنبال کشمکش های بسیار با مالکین اصلی فرمان ها، خوشتاریا به وسیله ی عمال خود و کارکنان شوروی، شرکتی به نام شرکت نفت خوریان را با سرمایه ۵ میلیون تومان به ثبت رسانید. سرانجام خوشتاریا، در نزدیکی روستای حاجی آباد خوریان (سمنان)، آغان به کار استخراج نفت کرد.

بناظر دکتور محمد مصدق در دو جلسه ی مجلس شورای ملی در دی و بهمن ماه ۱۳۰۲ خورشیدی و پاسخ علی اکبر داور، وزیر فواید عامه و روشن شدن این مسأله که شرکت نفت خوریان، اجازه ی اکتشاف و بهره برداری از منابع نفت را ندارد، موضوع بهره برداری مسکوت ماند.

۶- بیشترین افراد شرکت کننده در این تظاهرات خیابانی، افراد کم سواد یا بی سواد بودند که از راه های دور و نزدیک به تهران آورده شده بودند. آن ها به جای مرگ بر ساعت، فریاد می زدند، مرگ بر ساعت! شور و هیجان شعار دهندگان در میدان مخبرالدوله به اوج رسید. در آن زمان، در میان غنیدان مخبرالدوله، برجی با چهار ساعت وجود داشت. تظاهرکنندگان مشت های گره کرده ی خود را متوجه برج میان میدان کرده و با صدای رساتری فریاد می زدند: مرگ بر ساعت، مرگ بر ساعت!

سایر محصولات:
رولکن آرشبو
جدول
مجموعه
حسابداری
حقوق و دستمزد

فقط
یک
رولکن



صدها
رولکن
نه!

کارآمدترین نرم افزار قابل استفاده در وزارتخانه ها، مراکز اطلاعات اسناد، سازمانها و شرکتهای دولتی و خصوصی جهت بایگانی تصویری اسناد و انجام کلیه امور دبیرخانه

قابل اتصال به دو نرم افزار: پیگیری و نامه رسان جهت پیگیری مکاتبات و مدیریت ارجاعات کاربران



شرکت فرامطلق (سهامی خاص) تهران ۱۳۳۸، خلیبان ولی عصر، مقابل پارک ساعی شماره ۱۰۵۰/۲، برج نگین ساعی، واحد ۲۰۸، تلفن: ۷-۰۴۷۱۳۷۰۴۷۱۳۷۰۷، دورنگار: ۷-۰۴۷۱۳۷۰۴۷۱۳۷۰۷